

نقد و بررسی تاریخچه پرورش ایلام

درس اول:

نور نجات

هدف: من ایمان دارم نور خدا باعث نجات من می شود.

رده سنی: ۴ - ۸ سال

آیه حفظی: یوحنا ۱ : ۵

این نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را درنیافت

سخنی با مربی:

مربی عزیز کودکان در این درس می آموزند که:

- من می توانم به خدا اعتماد کنم،
- چون او در سختی ها کنار من است.

آمادگی برای ورود به داستان: (۱۵ دقیقه)

مربی عزیز یک شمع باطری دار از قبل آماده داشته باشید و با کودکان به صورت دایره بنشینید. شمع را روشن کنید و بگویید: همانطور که نور کمک می کند چیزها را ببینیم، خدا هم کمک می کند راه درست را پیدا کنیم.

- مربی عزیز به کودکان بگویید هر وقت شمع را به شما دادم، بگویید: خدا کمکم می کند و من هم تلاش می کنم.

مربی این جمله ها را می گوید و شمع را یکی یکی به کودکان می دهد.

مربی: وقتی ناراحتم،

کودک نور را می گیرد و با مربی تکرار می کند: خدا کمکم می کند و من هم تلاش می کنم.

مربی: وقتی ترسیدم،

کودک نور را می گیرد و با مربی تکرار می کند: خدا کنار من است، حتی وقتی می ترسم.

مربی: وقتی بیمار شوم،

کودک نور را می گیرد و با مربی تکرار می کند: خدا از راههای مختلف کمکم می کند، مثل خانواده و دوستانم.

مربی می گوید: وقتی تنها باشم،

کودک شمع را می گیرد و می گوید خدا با من است و کمکم می کند.

مربی این کار را با تمام کودکان انجام دهید.

هدف از انجام این بازی این است کودکان یاد بگیرند که خدا نوری است که در سختی ها به آنها کمک می کند.

ورود به دنیای کتاب مقدس: (۲۰ دقیقه)

مطالعه کلام: ایوب ۲۲:۱۲

امروز می خواهیم درباره ی یک مرد خوب در کتاب مقدس حرف بزنیم.

اسمش ایوب بود. ایوب خدا را خیلی دوست داشت. او شاد بود، خانواده اش را دوست داشت و از خدا تشکر می کرد. اما یک روز، زندگی اش سخت شد... ایوب غمگین شد، دلش می خواست گریه کند، ایوب گفت: «خدایا، کمکم کن... من ناراحتم.» گریه کردن و ناراحت بودن اشکالی ندارد. خدا دل ما را می فهمد و ما را دوست دارد. ایوب روزهای خیلی سختی داشت، اما او تصمیم گرفت به خدا اعتماد کند، حتی وقتی جواب فوری نگرفت. وقتی ایوب ناراحت بود، خدا به او کمک کرد. وقتی خسته بود، خدا دستش را گرفت. ایوب به خدا اعتماد کرد و خدا کمکش کرد. اعتماد یعنی: بدانیم خدا همیشه مراقب ماست و به ما کمک می کند حتی زمانی که ترسیده ایم.

شما وقتی شب می خوابید، در اتفاقات معمولاً یک چراغ خواب هست که روشن می کنید، تا اتاق تاریک نباشد و نترسید، درست است؟ همان طور که نور کمک می کند اطرافمان را ببینیم، خدا هم کمک می کند تصمیم درست بگیریم.

در کتاب مقدس نوشته شده: خدا در ناراحتی کنار ما می ماند و کمک می کند آرام تر و قوی تر شویم. گاهی وقتها خدا از طریق، مامان و بابا، دوست ها و یا مربی ها به ما کمک می کند. پس ما یاد می گیریم، وقتی سخت است می توانیم بگوییم خدا کنارم است و کمک می کند. خدا مثل همیشه کنار ما است، ما را می بیند، صدایمان را می شنود و خیلی دوستانه دارد.

گفتگو:

- اسم مرد خوب داستان امروز چه بود؟ (ایوب بود.)
- آیا خدا ایوب را تنها گذاشت؟ (نه، خدا همیشه به او کمک کرد.)
- ما وقتی ناراحت یا ترسیده هستیم چه می گوییم؟ (خدا کمک می کند. خدا با من است.)
- خدا ناراحتی ما را به چه چیزی تبدیل می کند؟ (به شادی و آرامش)
- گاهی خدا از چه راهی به ما کمک می کند؟ (از طریق مامان و بابا، دوست ها و مربی ها)

نتیجه گیری: (۵ دقیقه)

ما از زندگی ایوب یاد گرفتیم که همیشه به خدا اعتماد کنیم، چون نور خدا در هر جا با ما است و به ما کمک می کند. وقتی گیج یا ناراحت هستیم بهتر فکر کنیم و راه درست را پیدا کنیم. نور خدا راه درست را به ما نشان می دهد و به ما امید می بخشد و کمک می کند راه درست را برویم. خدا ما را تنها نمی گذارد، از ما مراقبت می کند و همیشه به ما کمک می کند.

کارگاه اجرایی: (۱۵ دقیقه)

مربی عزیز شما می توانید رنگ آمیزی زیر را با کودکان در کلاس درس انجام دهید.

دعا و پرستش:

مربی عزیز با توجه به موضوع درس زمانی را با کودکان به دعا و پرستش اختصاص دهید.

آیه حفظی:

این نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را دریافت.

یوحنا ۱ : ۵

